

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰  
تلفن: ۸۰۰۰۰۰۰۰  
وبسایت: www.kalame.com

کتاب: یاد  
داستان‌های دل‌انگیز دبستان  
یک قرن داستان‌های دبستان  
۱۲۹۰ - ۱۳۹۰

## یاد

# داستان‌های دل‌انگیز دبستان

یک قرن داستان‌های دبستان

۱۳۹۰ - ۱۲۹۰

پژوهش و گردآوری: اکبر قره‌داغی



## پیشگفتار

یادش بخیر، زنگ کلاس را که می‌زدند، صف می‌کشیدیم، ناظم با همان چوب یا خطکش رعب انگیز و اخم ساختگی‌اش، ما را به سمت کلاس هدایت می‌کرد ما می‌دانستیم، هیچ اخم و خشمی در مدرسه ماندگار نیست. میز و نیمکت را دوست داشتیم، کتاب فارسی را بیشتر و داستان‌هایش را که صمیمی و مانوس و شادتر بود. بوی کلاس و تخته سیاه و میز و نیمکت و کتاب، حس گنگ و ناشناخته‌ای از نگرانی و دلشوره داشت با رگه‌هایی از خواستن و ماندن، نمره بیست تاج افتخاری می‌شد بر تارکمان که گردنمان را برافراشته‌تر می‌کرد و قدمان را بلندتر.

شخصیت داستان‌ها برایمان زنده و آشنا بود، سرمشقی بود که چگونه باید باشیم. کبری تصمیم گرفته بود که دیگر بی‌انضباط نباشد. پطرس فداکار با فرو بردن انگشتش در سوراخ ایجاد شده در سد، فداکاری و از خودگذشتگی را به ما می‌آموخت چوپان دروغگو از دروغ گفتن پشیمان شده بود. ریزعلی خواجوی پیراهنش را در سرمای شب به آتش می‌کشید تا پرچی باشد در دستان انسانیت به نشانه‌ی مردم دوستی و ایثار. داستان مسابقه لاک‌پشت و خرگوش اگرچه تمثیلی بود و شکل مطایبه داشت ولی پشتکار و مداومت را آموزش می‌داد.

خواستم با شستن گرد و غبار از یادهای جا مانده در مسیر زمان. به آنچه در دبستان خوانده بودیم، رنگ و جلای تازه‌ای ببخشم. حداقل رفتار طرار امانت‌دار را به ذهن‌ها برگردانم.

در این کتاب اگر تصویر یا نگارشی متفاوت با آنچه شما در دبستان خوانده‌اید، ملاحظه فرمودید، سبب آن، این است که گاه یک داستان در چند دهه با نگارش‌ها و تصویرهای متفاوت آمده است، کوشش کردم بهترین و روشن‌ترین آن‌ها را در کتاب بگنجانم. داستان‌های کم‌مایه را که در یادها نمی‌ماند از کتاب حذف کردم و گرنه تعداد صفحات کلان می‌شد و شاید کسالت آور.



# اعمال

## درس اول

رفانف - لب بربکل زبشتریزو الف بننا الف نیزو الف نیز

شکل و نوع تدریس الفبا در دهه‌ی ۱۳۰۰ جهت آموزش به کلاس اولی‌ها در گذشته کسانی که می‌خواستند در سواد فزونی کنند می‌گفتند من تا آبش بیشتر نخوابم منظور گوینده اشاره به این صفحه است یعنی در اول کتاب مطالعه‌ام.

مانند کتاب یاد شعری شیرین دبستان، عدم توانی سال‌ها و دهه‌ها این بود که خواستم کسانی که کتاب را در دست می‌گیرند، یک راست به دنبال سال‌های تحصیلی خود نروند بلکه از تمام داستان‌ها بهره‌مند و محفوظ گردند که برایشان خالی از لطف نخواهد بود.

اکبر قره داغی

گفت استاد میر درس از یاد یاد باد آنچه به من گفت استاد  
 یاد باد آن که مرا یاد آموخت آدمی نان خورد از دولت یاد  
 هیچ پادم نرود این معنی که مرا مادر من نادان زاد  
 پدرم نیز چو استادم دید گشت از تربیت من آزاد  
 پس مرا منت از استاد بود که به تعلیم من استاد  
 هر چه می‌دانست آموخت مرا غیر یک اصل که ناگفته نهاد  
 قدر استاد نکو دانستن حیف استاد به من یاد نداد  
 گر بهره ست روانش پر نور در بود زنده خدا بارش یاد  
 ایرج میرزا